«زندگی استاندارد» در ۹ قسمت تولید شد

مجموعه نمایشی کوتاه «زندگی استاندارد» به کارگردانی اصغر عباسی و تهیه‌کنندگی میثم محمدحسنی به مناسبت هفته استاندارد از شبکه سه سیما پخش می شود. به گزارش روابط عمومی مجموعه، مجموعه نمایشی کوتاه زندگی استاندارد به کارگردانی اصغر عباسی و تهیه‌کنندگی میثم محمدحسنی و در قالب اپیزودیک در ۹ قسمت ساخته‌شده و با هفته استاندارد هر روز حوالی ساعت ۱۷ روی آنتن شبکه سه سیما می‌رود. عباسی کارگردان این مجموعه درباره ساخت آن بیان کرد: یکی از دلایل اصلی پذیرفتن ساخت این اثر نگاه‌نو و مخاطب‌پسند به مقوله زندگی در چارچوب استاندارد بود. مجموعه تلویزیونی زندگی استاندارد به سفارش سازمان ملی استاندارد ایران تولیدشده و در آن از جلوه‌های ویژه میدانی و جلوه‌های ویژه بصری بهره گرفته شده است. اصغر عباسی، کارگردان این مجموعه تلویزیونی نیز سابقه ساخت بیش از ۲۰ فیلم کوتاه، مستند و مجموعه‌های اپیزودیک را در کارنامه خود دارد

...چک» همراه گفت‌وگو با عوامل آن

...بکه جادویی

عکس: روابط عمومی برنامه

...مجموعه تولید مرکز پویانمایی صبا بوده و در فرمت عروسکی، رئال، انیمیشن در ژانر کمدی، کمدی هارور، ...ال و فانتزی برای همه رده‌های سنی تولید شده است. قصه این سریال حول محور راه‌اندازی یک شبکه ...ونی توسط تعدادی عروسک و پسر جوانی به نام سهراب شکل گرفته‌است.عروسک‌ها به سهراب کمک می‌کن ...شبکه خودش را داشته باشد. در ادامه شخصیت سهیلا به‌عنوان خواهر سهراب به این گروه اضافه می‌شود. ...بر قصه‌های اصلی در شبکه، برنامه‌های تولیدی و تامینی هم با تکنیک‌های عروسکی، رئال و انیمیشن ...د شخصیت‌های شبکه تهیه شده و به‌عنوان آیتم در برنامه پخش می‌شود. این مجموعه هر شب ساعت ۱۹ ...که نسیم و تکرارآن ساعت ۲ بامداد، ۱۰ و ۱۶ پخش می‌شود. ما هم یک روز مهمان این شبکه شدیم تا روند تولید ...مه‌ها را از نزدیک ببینیم و با برخی عوامل آن مثل کارگردان، تهیه‌کننده، رضا طالب‌زاده مجری طرح، حامد ذبیحی ...ک‌گردان و آزاده پورمختار، مشاور این مجموعه گفت‌وگو کنیم.

قالب‌های جدید از ترس تا تحلیل اجتماعی

سید مسعود صفوی که نامش به «شکرستان» معروف گره خورده، این بار همراه دریا صفوی با تهیه‌کنندگی «شبکه کوچک» وجه دیگری از تولیدات ویژه تلویزیون را به تصویر کشیده است. او در پاسخ به این‌که چه شد از آن فضا به این مجموعه کوچ کرد و ریسک آن را پذیرفت، بیان کرد: حدود ۱۸ سال است شکرستان تولید و پخش می‌شود. در این سال‌ها تکنیک‌های مختلف انیمیشن را تست کرده بودم، یک کار آزمایشی 3D ساختم و حدود ۱۴ سریال برای تلویزیون تولید کردم و موارد دیگری که باعث آشنایی بیشترم با تکنیک‌ها شد. از سوی دیگر وقتی شما سال‌ها در این فضا آزمون و خطا کنید، سلیقه مردم دست‌تان می‌آید. آنها لحظه به لحظه دنبال دیدن فضای تازه‌ای هستند و من گفتم که آیا می‌توانم در این خصوص ترکیبی از فضای رئال، عروسکی و انیمیشن ایجاد کنم که هر سه در یک زمان برای مخاطب پخش شود؟

او افزود: طبیعی است که این اتفاق پر از ریسک بود که نکند نتوانیم آن را جمع کنیم. از سوی دیگر در حوزه متن و محتوا هم بین افرادی که رئال می‌نویسند با کسی که برای انیمیشن یا کار عروسکی می‌نویسد از نظر نگاه تفاوت وجود دارد. پس در حوزه متن هم چالش و ریسک داشتیم. با همه اینها همیشه قرارگرفتن بهترین گروه‌ها کنار هم و مچ شدن‌شان می‌تواند بهترین اتفاق‌ها را رقم بزند، این کار هم از پیش‌تولید، تحقیق، دکور و.... گرفته تا آماده‌کردن بچه‌ها برای کار در این فضا دو سال زمان برد و درنهایت این زمان باعث شکل‌گیری اتفاقات خوبی شد. جریانی که امیدوارم مردم هم آن را بپسندند.

صفوی درخصوص ساخت دکورهای متعدد این شبکه هم گفت: ما نمی‌توانستیم این برنامه را در یک دکور پیش ببریم چون از ابتدا طراحی یک شبکه را کرده بودیم و در طول آن کاراکترهای مختلف برنامه‌های شبکه را می‌گردانند. از همین رو نمی‌توانستیم ۴۵ دقیقه برنامه را که پس و پیش یک شبکه را نشان می‌دهد در یکی دو تا دکور جمع کنیم. همه اینها باعث شد در این سوله حدود ۳ هزار متری دکورهای مختص هر برنامه این شبکه را تاسیس کنیم.

زندگی به سبک بازی بچه‌ها

اغلب به این حوزه از انیمیشن گرفته تا کارهای عروسکی به نسبت دیگر موارد توجه کمتری می‌شود، این‌که چه چیزی تهیه‌کننده را هنوز در این فضا نگه‌داشته سوالی بود که صفوی در پاسخ به آن بیان کرد: وقتی آدم مثل بچه‌ها باشد، دیگر چیزی به نام ناامیدی ندارد و همه چیز یک بازی است. آن‌وقت می‌خواهی هر چه زمان می‌گذرد بازی بهتری را تجربه کنی. در این بین مهم‌ترین چیزی که این بازی را زیباتر می‌کند این است که مخاطب ما را می‌پسندد. یعنی وقتی نگاه می‌کنی و می‌بینی که بدون حضور سوپراستاری تو را پسندیدند و عروسکی که اولین‌بار است دیده می‌شود، مورد اقبال قرار گرفته، شما هم سرذوق می‌آیید. این واکنش‌ها موردی است که انسان را زنده می‌کند اما یکی دیگر از مهم‌ترین موارد این است که تو یک بازی جدید را تجربه می‌کنی؛ اتفاقی که هر کدام از ما دلمان می‌خواهد آن را در کارمان تجربه کنیم تا روزمرگی را بشکنیم.

این تهیه‌کننده با اشاره به بازآفرینی لهجه‌ها در این مجموعه گفت: من همیشه علاقه دارم تا لهجه‌هایی را که در حال فراموشی است بازآفرینی کنم، مثل اتفاقی که در شکرستان هم نمونه آن را داشتیم. این حوزه هم گستردگی زیادی دارد مثلا در اصفهان ما لهجه شهرضایی، نجف‌آبادی و... داریم. دراین خصوص فکر کردیم چه کنیم تا در برنامه بدون تقلید از لهجه، از هنرمندی که کاملا لهجه آن شهر را دارد استفاده و آن لهجه را به‌طور صحیح بیان کنیم؟ در این مجموعه همه لهجه‌ها صحیح است و بازخوردهای زیادی هم از آن گرفتیم. علاوه بر اینها وجود یک عروسک تا حدی ترسناک هم موضوع دیگری بود که صفوی با اشاره به آن عنوان کرد: مورد دیگری که آن را تست کردیم و دلهره داشتم که چه اتفاقی برایش می‌افتد، ساختن عروسک ترسناک در بخش حمام است. ما نمی‌دانستیم که مردم به آن چه واکنشی می‌دهند و آیا ممکن است مثل سمندون همیشه به آن شکل در ذهن‌شان بماند؟ این خیلی برای برنامه‌ساز خطرناک است که پس‌زده شود اما درنهایت بازخوردهایی گرفتیم که نشان می‌داد این بخش برای مخاطب هم جالب است. در قسمت فنرها هم با دو لهجه متفاوت آنها نقد ساحت‌های مختلف اجتماعی ما را می‌کنند و قالب عجیبی را رقم زده‌اند که باعث‌شده بیننده هم چشم برندارد و کشفش کند.

نمی‌خواستیم «کلاه‌قرمزی» باشیم

رضا طالب‌زاده، مجری طرح این پروژه است. او که در سمت مدیر تصویربرداری هم در شبکه کوچک حضور دارد از کم‌وکیف شکل‌گیری این مجموعه و شرایط لازم برای ادامه آن گفت.

الگوبرداری نه کپی: در تلویزیون خودمان این اتفاق کم سابقه است اما نمونه‌های خارجی زیادی در این زمینه وجود دارد با این حال ما سراغ آنها نرفتیم و خودمان برنامه را طراحی کردیم. از ابتدا هم به دنبال آن بودیم تا مجموعه‌ای را بسازیم که مقداری از کارهای عروسکی دیگر فاصله داشته باشد. همچنین باید بگویم که این برنامه کودک نیست و به گروه بزرگسال اختصاص دارد، مشکل این است که وقتی پای عروسک وسط می‌آید، همه می‌گویند کار برای کودک است. زمانی که اسم کودک را روی مجموعه می‌گذاریم ممکن است بچه‌ای با بعضی از آیتم‌ها روبه‌رو شود و از نظر اولیا مناسب سنش نباشد. به همین دلیل باید تاکید کنم که کار کودک نیست.

سریال‌سازی با عروسک‌ها: در تلویزیون در سال‌های اخیر، برنامه جدی عروسکی فقط کلاه قرمزی را داریم و از اول حواسمان بود که کلاه‌قرمزی نشویم چون آن کار یک نمایش عروسکی است نه سریال. در واقع آنجا شخصیت‌ها صحبت‌هایی را مطرح می‌کنند و می‌روند اما در شبکه کوچک، میزانسن و دکوپاژ داریم، دوربین حرکت می‌کند و... انگیزه شروع این کار هم برای من و آقای صفوی این بود که چیزی را بسازیم که نشده، از میزانسن گرفته تا طراحی عروسک، دکور و... نکته سخت این کار برای من هماهنگ‌شدن با تیم عروسکی بود چون خواسته ذهنی من عموما با شرایط و تجربه تیم متفاوت بود. درنهایت هم آنچه که می‌خواستم نشد چون به هر حال شما بر اساس تولیدتان زمان مشخصی برای خروجی‌دادن دارید اما وقتی کاری را می‌خواهید که خلاف عرف تولیدات از این نوع است، کم‌کم زمان خروجی هم بالا می‌رود. در بعضی از بخش‌ها به میزان مطلوب با همان کیفیت رسیدیم.

زیباشناسی در الگوبرداری: من عقبه کار عروسکی چندانی نداشتم و از تقریبا حدود دو سال پیش که با آقا و خانم صفوی طرح برنامه را نوشتیم، قرار بر ساخت برنامه عروسکی به آن معنای قدیمی نبود. در این بین یکسری کار خارجی داشتیم اما این‌طور نبود که آنها را جلویمان بگذاریم و شروع کنیم و مساله ما مقداری زیبایی‌شناسی

جلویشان نمی‌گذاریم تا آیتم بداهه به‌خوبی شکل بگیرد. اتفاقی که در مورد تولیدات خود شبکه رخ می‌دهد نه تامینی‌ها و کار ذهنی زیادی را می‌طلبید.

می‌شود گفت کارگردانی در این فضا سخت‌تر از مجموعه‌های کاملا رئال است؟

من نمی‌خواهم بگویم که کدام گونه سخت‌تر است چون ما عاشق ژانری هستیم که در آن حضور داریم. من هم خیلی سعی نکردم که کار دیگری را تجربه کنم چون به این فضا علاقه‌مند هستم ولی می‌توانم بگویم که همه‌چیز خیلی سخت‌تر از آن است که بقیه فکر می‌کنند. اگر این را می‌دانستند، خیلی بیشتر حمایت می‌کردند.

چقدر در متن حواستان بود تا هر چه بیشتر با مخاطب ارتباط برقرار کنید و فکر می‌کنید تا چه حد از پس آن برآمدید؟

بخش دوم را مردم باید بگویند. از سویی آنقدر ساعت پخش عید ما از شبکه دو بد بود که نمی‌دانم کار چقدر دیده شد اما از وقتی از شبکه نسیم روی آنتن رفت و بازپخش هم دارد، از قسمت دوم و سوم انرژی‌ها و بازخوردهای مثبت زیادی به من رسید. نویسنده‌های ما از همه سنی بودند و هرکدام از بهترین‌هایی بودند که من می‌شناختم. متن‌هایشان هم خلاق، به‌روز و جوان‌پسند است و اکثرشان دنیای عروسک‌ها را خوب می‌شناسند. آجر اول هم در کار متن است و ما سعی کردیم در این بخش بهترین اتفاق را رقم بزنیم آنقدر که می‌دانم دهه شصتی‌ها هم با کار ارتباط برقرار کردند و نوجوانان هم بخش‌هایی را دوست داشتند.

کمی از منبع عشقی که باعث شده در این سال‌ها بی‌وقفه در این فضا بمانید، بگویید. تا به حال از آن خسته نشدید؟

من ابتدا تئاتر را انتخاب کرده بودم که بیشتر بازی کنم اما در ادامه با بچه‌های عروسکی دانشگاه تهران کار کردم و آنجا یک‌دفعه احساس کردم که روحیاتم با این ژانر بیشتر سازگار است؛ ضمن آن‌که من آن وقتها آدم حساس‌تری بودم و یک‌سری از ناملایمات و بی‌عدالتی‌هایی که در فضاهای دیگر بود، اذیتم می‌کرد. اینجا نمی‌تواند این بی‌عدالتی‌ها اتفاق بیفتد، درست است که در حوزه بودجه کم‌لطفی‌هایی می‌شود اما حداقل می‌دانم که من اینجا با استعداد و خلاقیتم طرف هستم و قرار نیست چشم‌رنگی، پول و رانت جایگاهم را عوض کند؛ ضمن آن‌که خیلی‌ها هنوز که هنوز است از کارهای عروسکی خاطره دارند و چه اشکالی دارد که آدم موثر باشد حالا دیده هم نشد، نشد. با همه اینها برای این عشق نمی‌شود دلیل مشخصی آورد، شاید اینها هم بهانه هستند اما آنقدر که از این فضا لذت می‌برم، هیچ‌وقت فکر نکردم که ژانر دیگری را تجربه کنم. در آخر تنها چیزی که الان واقعا می‌خواهم هم این است که از مردم خواهش کنم تا لابه‌لای همه کارهایشان و ناملایمت‌هایی که وجود دارد، برای ما هم کمی زمان بگذارند و اگر خوش‌شان آمد بیلبورد تبلیغاتی‌مان شوند و چهار نفر دیگر را هم تشویق کنند که این کار را ببینند.

تلخ و شیرین کارگردانی تلویزیونی در دنیای عروسک‌ها

پیش از ادامه تصویربرداری فرصتی شد تا گفت‌وگویی با میثم حیدریان، کارگردان تلویزیونی شبکه کوچک داشته باشیم. کارگردان تلویزیونی وظیفه مدیریت دوربین‌ها، بازیگران، نورپردازی و همه عواملی که در تصویر دخیل است را دارد. او درباره تفاوت این هدایت در مجموعه‌های عروسکی با دیگر فضاها بیان کرد: این اتفاق با بقیه فضاها تفاوت زیادی دارد چرا که حرکت عروسک‌گردان براساس چیزی است که می‌بیند. یعنی تصویری که از دوربین‌ها در مانیتوری که جلویش است به عروسک‌گردان کمک می‌کند تا کارش را آن‌طور که باید انجام دهد. از این جهت سوئیچ‌شدن تصاویر در نماهای مختلفی که قرار است بعدا هم استفاده شوند به واسطه این جریان باعث می‌شود عروسک‌گردان در آنها بهترین پز عروسک را بگیرد.

سختی و آسانی این ماجرا هم سوال دیگری بود که این کارگردان درباره‌اش گفت: مختصات سوژه انسانی و عروسکی با هم تفاوت زیادی دارد. مثلا اگر سوژه انسانی مقداری بچرخد و نمای پشت سر او را هم اتفاقی داشته باشید، مشکل خاصی به‌وجود نمی‌آید اما در عروسک قضیه فرق می‌کند، ممکن است که لباسش در زاویه‌ای شکل دیگری داشته باشد یا باتومی که برای حرکت دست‌هایش استفاده می‌شود محدودیت‌هایی داشته باشد. هرکدام از اینها باعث می‌شود تا مقداری تغییرزاویه دوربین آن واقع‌نمایی کار را زیر سؤال ببرد. ما سعی می‌کنیم که در حوزه تصویر بیشترین کمک را کنیم تا عروسک جاندار و باحس به‌نظر برسد. در ادامه دیده شدن آن مسائل باعث می‌شود که ذهن مخاطب هم درگیر شود و حس کند که شیء بیجانی را می‌بیند که کسی در حال حرکت آن است، به همین دلیل هرچه که این اتفاقات صحیح‌تر باشد، درگیری مخاطب با اتفاقات تصویری و درام خیلی بیشتر می‌شود.

همان‌طور که گفته شد در این برنامه ما ۱۵ استودیو را می‌بینیم؛ اتفاقی که هرکدام نگاه و مدیریت خود را می‌طلبد. حیدریان درباره این اتفاق هم عنوان کرد: فضاهای مختلف چون یک رژی متمرکز دارند، پشتیبانی جدی و فنی‌تری را هم می‌خواهد. ۳۰۰۰ متر فضای سوله است و ما معمولا با شش دوربین کار می‌کنیم. در این بین انتقال تصاویر به رژی، کشیدن مانیتور برای عروسک‌گردانان و موارد این‌چنینی کار را سخت‌تر می‌کند. همین آیتم گوریل انجیری نزدیک‌ترین شکل به برنامه‌های کلاسیک است اما در قسمتی که اتفاقات شبکه رخ می‌دهد، دکور خیلی بزرگ‌تر است. ما ۳۶۰ درجه در دکور می‌چرخیم، بازیگران و عروسک‌ها حرکت دارند و پشتیبانی این‌که عروسک‌گردانان تصویر را از دست ندهند، قرارگیری دوربین‌ها و همه اینها باعث می‌شود که مدیریت آن هم دقت و دشواری بیشتری را به همراه داشته باشد.

او درخصوص تجربه‌اش از حضور در این مجموعه هم بیان کرد: «شبکه کوچک» برای من جزو اولین اتفاقاتی است که در آن می‌بینم همه گروه‌ها به شکل جمعی در کیفیت یک کار اثر دارند. اکثر اوقات در بیشتر مجموعه‌های نمایشی، زور کار روی یک چهره است، از مجری گرفته تا عروسک و... خروجی این کار اما حاصل زحمت تیم‌هایی است که هرکدام سوابق حرفه‌ای در کار خودشان دارند، مثلا تیم تصویر و نورپردازی که همه از بچه‌های سینما هستند و تجربه آثاری مثل «سرخپوست»، «حضرت محمد(ص)» و... را دارند. گروه صدا و بقیه نیز به همین ترتیب، هرکدام پر از تجربه‌های درخشان‌اند.

این کارگردان در آخر گفت: شما فضای این دکور را به لحاظ رنگی که در تصویر می‌بینید در هیچ کار عروسکی پیدا نمی‌کنید. تمام چراغ‌های ریزی که در دکور است بارها تست و چک شده‌اند و همه اتفاقات به شکلی رقم خورده تا مخاطب در مواجهه اولش با تجربه متفاوتی روبه‌رو شود. در مورد این مجموعه مهم‌تر از هرچیزی این است که «شبکه کوچک» یک شروع در دنیای پروژه‌های عروسکی است و به شکلی تولیدات این عرصه را به قبل و بعد از آن تقسیم می‌کند.